



سید محمد رضا علاء الدین
دوزخ علمیه اصفهان

اخوت و اعتصام قرآنی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی سال ۸۶ را بعنوان سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی اعلام و همگان را به تحقق این مهم در عرصه‌های مختلف فراخواندند این مقاله تلاشی است در تبیین؛ مؤلفه‌های اتحاد و انسجام اسلامی در عرصه‌های مختلف و سپس رویکردی به برآیندهای رفتاری و اجتماعی اخوت و اعتصام قرآنی شامل برادری دینی، صلح و صفای انسانی، همبستگی معنوی، مهر و محبت ایمانی و تعاون و مشارکت عمومی که به منظر شما خوانندگان محترم تقدیم می‌گردد.

تلید واژه:

اتحاد و انسجام، جامعه دینی، انسان فرا سرزمینی، اخوت و اعتصام قرآنی، آثار اتحاد و انسجام.

مؤلفه‌های اتحاد و انسجام اسلامی، تحقق اتحاد و انسجام اسلامی در عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند توجه به مؤلفه‌هایی است که اجمالاً به طرح و بررسی آنها پرداخته ایم.

الف) مؤلفه‌های اعتقادی

۱- تقویت ایمان به خدا و اعتقاد به مبانی اسلام و بسط بینش الهی براساس قرآن کریم و سیره معصومین (علیهم السلام)
 ۲- پرورش روحیه مبارزه با کفر و شرک و نفاق

ب) مؤلفه‌های اخلاقی

۱- تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت آحاد مردم جامعه در سایه ی اتحاد و انسجام اسلامی
 ۲- تعدیل عواطف و احساسات دینی و تقویت روحیه ی تقیه و نگهداری اسرار اهل بیت (ع)
 ۳- پرورش روحیه ی تعبد آگاهانه و پرهیز جدی از تحجر گرایی.

۴- ترکیه و تهذیب نفوس و قلوب و رشد فضائل و مکارم اخلاقی براساس ایمان به خدا
 ۵- پرورش روحیه ی نظم و انضباط و انسجام و همبستگی واقعی در سایه ی ایمان به خدا و تقیّده ارزشها

ج) مؤلفه‌های آموزشی

۱- تقویت روحیه ی تعقل و تفکر، مطالعه،

بررسی، تحقیق و پرهیز از تحجر گرایی
 ۲- تقویت روحیه ی تعلیم و تربیت مستمر براساس مبانی اتحاد و انسجام اسلامی
 ۳- تبیین آثار و فوائد و برکات وحدت، همدلی و همبستگی از نهاد خانواده تا سطح جامعه و جوامع اسلامی.

۴- رویکرد جوامع اسلامی در آموختن زبان قرآنی (عربی) به عنوان زبان رسمی مسلمانان جهان

۵- رویکرد جوامع اسلامی در آموختن خط واحد به عنوان خط رسمی مسلمانان جهان
 ۶- معرفی جوامع اسلامی، توانمندی‌ها منابع و قدرت‌های بالفعل و بالقوه ی آنها در سطح جهان

د) مؤلفه‌های فرهنگی

۱- شناساندن هنر اسلامی و پرورش روحیه ی حفظ میراث فرهنگی هنری و تاریخی جهان اسلام
 ۲- شناساندن فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه اسلامی.

۳- مقابله ی جدی و همیشگی با آداب و رسوم منحط و خرافی کشورهای استعماری
 ۴- شناساندن تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایرانی اسلامی و کشورهای دیگر اسلامی.

ه) مؤلفه‌های اجتماعی

۱- پرورش روحیه ی پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده بر پایه ی حقوق

و روابط خانوادگی

۲- پرورش روحیه ی اخوت ایمانی و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت و تحکیم آن
 ۳- پرورش روحیه ی خیر خواهی و دعوت به خیر و امر به اتحاد و انسجام و نهی از تفرقه و جدایی

۴- ایجاد و تقویت روحیه ی محبت و حمایت از حق طلبان، عدالت خواهان، مظلومان و مستضعفان جهان

۵- تقویت روحیه ی انزجار آگاهانه و عالمانه از مستکبران و استثمارگران نو و برنامه‌های نوین آنها.

۶- تقویت روحیه ی مقدم شمردن مصالح اجتماعی بر منافع فردی

۷- پرورش روحیه ی احترام به شخصیت افراد و مراعات حقوق مادی و معنوی دیگران در روابط اجتماعی و بین الملل.

و) مؤلفه‌های سیاسی و نظامی

۱- تربیت و تقویت روحیه ی پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان و آشنایی با روش و شیوه‌های اعمال این حاکمیت در جامعه ی اسلامی براساس اصل ولایت فقیه .

۲- ایجاد روحیه و تقویت تمام عیار به ائتلاف، اتحاد و تلاش در جهت تحقق الفت و وحدت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی مسلمین

جهان و تعهد عالمانه نسبت به همه ی مسلمانان
 ۳- ارتقاء بینش سیاسی نسبت به اوضاع سیاسی ایران و جهان و به خصوص جهان اسلامی
 ۴- ایجاد روحیه ی پاسداری از استقلال همه جانبه ی کشور اسلامی ایران و جوامع اسلامی در سایه ی اتحاد و انسجام

ز) مؤلفه‌های اقتصادی

۱- سامان بخشی به امور اقتصادی کشور و جهان اسلام در سایه ی اتحاد و انسجام
 ۲- همسویی تصمیمات اقتصادی کشورهای اسلامی در برابر استعمارگران و ابر قدرتهای اقتصادی دنیا

۳- شناخت منابع اقتصادی جهان اسلام و بهره گیری از آن در جهت رشد و تکامل کشورهای اسلامی

اما چگونگی تاثیرگذاری این مولفه‌ها در جامعه نیازمند مقدمات و مبادی است تا بتوان انتظار براینده‌های مثبت و کارآمد را داشت از جمله آن مبادی بررسی عناصر اصلی تشکیل یک جامعه و جایگاه انسان در جامعه ی دینی است.

عناصر اصلی تشکیل یک جامعه

عناصر اول تشکیل یک جامعه افراد و آحاد انسانی است که بر پایه تمنیات، منافع، آرمان‌ها و علایق گوناگونی، در قالب گروه‌ها و فرقه‌ها، گرد هم می‌آیند و روابط و مناسبات متقابلی که میان افراد

مؤلفه های اتحاد و انسجام اسلامی، تحقق اتحاد و انسجام اسلامی در عرصه های اعتقادی، اخلاقی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیازمند توجه به مؤلفه هایی است که اجمالاً به طرح و بررسی آنها پرداخته ایم.

الف) مؤلفه های اعتقادی

۱- تقویت ایمان به خدا و اعتقاد به مبانی اسلام و بسط بینش الهی براساس قرآن کریم و سیره معصومین (علیهم السلام)
 ۲- پرورش روحیه مبارزه با کفر و شرک و نفاق

ب) مؤلفه های اخلاقی

۱- تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت آحاد مردم جامعه در سایه ی اتحاد و انسجام اسلامی
 ۲- تعدیل عواطف و احساسات دینی و تقویت روحیه ی تقیه و نگهداری اسرار اهل بیت (ع)
 ۳- پرورش روحیه ی تعبد آگاهانه و پرهیز جدی از تحجر گرایی.
 ۴- تزکیه و تهذیب نفوس و قلوب و رشد فضائل و مکارم اخلاقی براساس ایمان به خدا
 ۵- پرورش روحیه ی نظم و انضباط و انسجام و همبستگی واقعی در سایه ی ایمان به خدا و تقیید به ارزشها

ج) مؤلفه های آموزشی

۱- تقویت روحیه ی تعقل و تفکر، مطالعه،

بررسی، تحقیق و پرهیز از تحجر گرایی
 ۲- تقویت روحیه ی تعلیم و تربیت مستمر براساس مبانی اتحاد و انسجام اسلامی
 ۳- تبیین آثار و فوائد و برکات وحدت، همدلی و همبستگی از نهاد خانواده تا سطح جامعه و جوامع اسلامی.

۴- رویکرد جوامع اسلامی در آموختن زبان قرآنی (عربی) به عنوان زبان رسمی مسلمانان جهان

۵- رویکرد جوامع اسلامی در آموختن خط واحد به عنوان خط رسمی مسلمانان جهان
 ۶- معرفی جوامع اسلامی، توانمندی ها منابع و قدرت های بالفعل و بالقوه ی آنها در سطح جهان

د) مؤلفه های فرهنگی

۱- شناساندن هنر اسلامی و پرورش روحیه ی حفظ میراث فرهنگی هنری و تاریخی جهان اسلام
 ۲- شناساندن فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه اسلامی.

۳- مقابله ی جدی و همیشگی با آداب و رسوم منحط و خرافی کشورهای استعماری
 ۴- شناساندن تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایرانی اسلامی و کشورهای دیگر اسلامی.

ه) مؤلفه های اجتماعی

۱- پرورش روحیه ی پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده بر پایه ی حقوق

و روابط خانوادگی

۲- پرورش روحیه ی اخوت ایمانی و تعاون اسلامی و همبستگی ملی و فرهنگی و تقویت و تحکیم آن
 ۳- پرورش روحیه ی خیر خواهی و دعوت به خیر و امر به اتحاد و انسجام و نهی از تفرقه و جدایی

۴- ایجاد و تقویت روحیه ی محبت و حمایت از حق طلبان، عدالت خواهان، مظلومان و مستضعفان جهان

۵- تقویت روحیه ی انزجار آگاهانه و عالمانه از مستکبران و استثمارگران نو و برنامه های نوین آنها.

۶- تقویت روحیه ی مقدم شمردن مصالح اجتماعی بر منافع فردی

۷- پرورش روحیه ی احترام به شخصیت افراد و مراعات حقوق مادی و معنوی دیگران در روابط اجتماعی و بین الملل.

و) مؤلفه های سیاسی و نظامی

۱- تربیت و تقویت روحیه ی پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان و آشنایی با روش و شیوه های اعمال این حاکمیت در جامعه ی اسلامی براساس اصل ولایت فقیه .

۲- ایجاد روحیه و تقویت تمام عیار به ائتلاف، اتحاد و تلاش در جهت تحقق الفت و وحدت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی مسلمین

جهان و تمدن عالمانه نسبت به همه ی مسلمانان
 ۳- ارتقاء بینش سیاسی نسبت به اوضاع سیاسی ایران و جهان و به خصوص جهان اسلامی
 ۴- ایجاد روحیه ی پاسداری از استقلال همه جانبه ی کشور اسلامی ایران و جوامع اسلامی در سایه ی اتحاد و انسجام

ز) مؤلفه های اقتصادی

۱- سامان بخشی به امور اقتصادی کشور و جهان اسلام در سایه ی اتحاد و انسجام
 ۲- همسویی تصمیمات اقتصادی کشورهای اسلامی در برابر استثمارگران و ابر قدرتهای اقتصادی دنیا

۳- شناخت منابع اقتصادی جهان اسلام و بهره گیری از آن در جهت رشد و تکامل کشورهای اسلامی

اما چگونگی تاثیرگذاری این مولفه ها در جامعه نیازمند مقدمات و مبادی است تا بتوان انتظار براینده های مثبت و کارآمد را داشت از جمله آن مبادی بررسی عناصر اصلی تشکیل یک جامعه و جایگاه انسان در جامعه ی دینی است.

عناصر اصلی تشکیل یک جامعه

عناصر اول تشکیل یک جامعه افراد و آحاد انسانی است که بر پایه تمنیات، منافع، آرمان ها و علایق گوناگونی، در قالب گروه ها و فرقه ها، گرد هم می آیند و روابط و مناسبات متقابلی که میان افراد

با یکدیگر معمول است را برقرار می نمایند. عنصر دوم، یعنی نحوه ی شکل گیری روابط و مناسبات اجتماعی، در آراستن یک جامعه به آرایه های منحصر به خود می باشد که نقش اصلی و تعیین کننده ای ایفا می کند و بر اساس آن آحاد جامعه را از یکدیگر متمایز می سازد.

جامعه ای که در آن عناصر فوق رنگ دینی داشته باشند، جامعه ای است که در آن داورری با دین باشد و افراد آهنگ حرکت خود را با دین میزان نمایند، نه صرفاً جامعه ای که افراد آن متدین باشند. در جامعه دینی دغدغه ی دینداری چاشنی تمامی امور و برنامه های آن می باشد، از این رو در چنین جامعه ای شبکه ی روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی، بر اساس آموزه های دین تنظیم می شود. دین در تمامی خطوط و زوایای شبکه ی روابط اجتماعی نافذ است. اما این بدان معنا هم نیست که جامعه ی دینی همه چیزش را، از ریز و درشت، تنها از دین اخذ نموده، به تجارب و دانش ها و فنون و روش های آزمایش شده ی بشری بی اعتنا بوده، هیچ نیازی به منابع غیر دینی احساس نمی کند. ۱

انسان فراسرزمینی در جامعه ی دینی اغلب دانشمندان و نظریه پردازان علوم انسانی به انسان سرزمینی نظر داشته و با نگاهی تنگ، او را در زندان سرزمینی که در آنجا به دنیا آمده است

زندانی کرده اند؛ انسان شرقی، انسان آسیایی، انسان خاورمیانه ای، انسان ایرانی، اصفهانی و البته دانشمندان نیز بوده و هستند که از فراز به او نگریسته و او را متعلق به تمام جهان دیده اند، لیکن برای محقق ژرف نگر قرآنی روشن است که تنها این ادیان الهی بوده اند که مرزهای خاکی و سرزمینی را در نور دیده اند، انسان را در هر جا که به دنیا آمده است، محدود و محصور نکرده اند... اگر افرادی جز انبیای الهی را نیز در این رصدگاه ملاحظه می کنیم، در واقع، آنان اندیشه ی خود را از آن بزرگواران الهام گرفته اند، چه آن که تمام نحله های فلسفی به فلسفه ی یونان باستان می رسد و آن هم میراث فلسفه ی شرقی است که در آغاز، انبیایی چون حضرت شیت (علیه السلام) و حضرت ادریس (علیه السلام) آن را به بشر ارمغان داده اند. ۲

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) در منشور برابری و برادری که در مسجد خیف ایراد شده، روی همین نکته تاکید فرموده است: «المؤمنون إخوة تتكافؤ، دماءهم وهم يدعألی من سواهم یسعی بدمتھم ادناھم»؛ مومنان برادری هستند که خون شان با یکدیگر همسانی

دارد و همه شان به منزله ی قدرت واحدی علیه دیگرانند چنان که فرودست شان در وفا به پیمان اجتماعی امت همچون هر شهروند امت اسلامی دیگر، در تلاش است. ۳

امیر المومنین علی (علیه السلام) نیز در همین ارتباط، در ضمن شعری که منصوب به ایشان است، به بیان این مطلب پرداخته اند:

الناس من جهة التمثال اكفاء

ابوهم آدم و الام حواء

لافضل الا لاهل العلم انهم

على الهدى لمن استهدى ادلاء ۴

یعنی مردم همه از نظر شکل ظاهری همتای یکدیگرند، پدرشان آدم و مادرشان حوا است، و هیچ برتری برای کسی بر دیگری نیست جز برای اهل علم.

مقررات سلوک و اخلاق، اگر چه برای اندیشه ی منظم امروزی ناهماهنگ جلوه می کند، اما برای درک نظام الهی و تطبیق واقعیت با آن، و از این طریق برای حفظ عملکرد نظامی که هستی و سلامت نوع انسان یا گروه خاصی از انسان ها به آن وابسته است، در حکم تجلیات الزام آور محسوب می شود.

گوهر انسانیت، همان فرهنگی است که به مثابه بند تسبیح تمامی انسان ها را به یکدیگر مرتبط و آنان را به سان دانه های یک شانه می نمایاند و همگی افراد انسان را همچون اعضای یک پیکر می بیند.

در حقیقت شعار «بنی آدم اعضای یک

پیکرند....» یک شعار ساده نیست، آن یک آموزه قرآنی است که مبنای عقلی و فطری دارد، که در زیره برخی از اسناد آن اشاره می شود:

عن ابی عبد الله (علیه السلام) قال: المومنون فی تبارھم و تراخیمهم و تعاطفهم كمثل الجسد اذا اشتكى تداعی له سائرته بالسھر والحمی ۵.

عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: المومنون فی تبارھم و تراخیمهم و تعاطفهم كمثل الجسد اذا اشتكى تداعی له سائرته بالسھر والحمی ۶.

عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله (علیه السلام) یقول المؤمن اخ المؤمن كالجسد الواحد ان اشتكى شیناً منه وجد ألم ذلك فی سائر جسده و أروخهما من روح واحدة ۷

که مفهوم همگی، همان است که سعدی (علیه الرحمة) گفته است:

بنی آدم اعضا یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار ۸

◆ برآیندهای رفتاری و اجتماعی

اخوت و اعتصام قرآنی

نظام اخوت دینی مایه ی همبستگی خاصی در بین مردمان مومن می شود که نظیر آن را در هیچ یک از نظام های دیگر نمی توان یافت.

از جمله آن برآیند ها، برادری دینی، صلح و صفای انسانی، همبستگی معنوی، مهر و

محبت ایمانی و تعاون و مشارکت عمومی است. پیوندهای خانوادگی (صله رحم) و تعامل با جامعه و انسجام از آموزه‌های قرآنی است. همبستگی اجتماعی امری اجتناب ناپذیر برای انسان جامعه پذیر است. بنابراین در هر زمان و دوره ای، انسان احساس نیاز به همبستگی با سایر انبای نوع خود دارد؛ لیکن نظریه تحولات اجتماعی و تغییر متغیرهای ارزشی جامعه، شکل و نوع آن ممکن است متفاوت باشد. در جوامعی که هنوز با طبیعت فاصله ی زیادی نگرفته و اخلاق شهر نشینی ماشینی، در طبیعت سالم و طبیعی آنها دستگاری نکرده است، عاطفه ی انسانی حاکم است و منشأ همبستگی نیز همان است. فرد انسانی به همنوع خود عشق می ورزد و انسان ها را دوست دارد با همه رابطه ای دوستانه و نزدیکی داشته و همواره برای برقراری چنین رابطه ای مترصد فرصت می باشد. اما در جوامع به اصطلاح پیشرفته ی صنعتی و فرا صنعتی، همبستگی در گونه ی متناسب آن بروز می کند و منشأ آن نیاز زندگی ماشینی است (هر چند که در جوامع پیشین نیز نیاز، عامل همبستگی و پیوستگی است، لیکن آمیختگی روحی و احساس بگانگی، قدرت برتر است) با این حال، چیزی که هم در گذشته وهم در عصر جدید می تواند، به عنوان یک اهرم قدرت مند، در ایجاد همبستگی موثر باشد، عدالت اجتماعی است. تجربه ثابت کرده است که در جوامع فاقد این

متغیر، نه تنها همبستگی نتوانسته وجود یابد که برعکس، پراکندگی ناشی از احساس عداوت نسبت به یکدیگر (که از تبعیض بر می خیزد)، به وقوع پیوسته است.

۱. اخوت و برادری دینی

مساله ی اخوت و برادری در اسلام از جمله آموزه های مهم قرآنی است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به محض هجرت به مدینه و تصمیم به استقرار مدنیت دینی، این امر را بر امت عرضه داشت و هر دو نفر را هم برادر گردانید و اعلام داشت که در سطح گسترده، همه مومنان برادران یکدیگرند. قرآن از این موضوع تحت عنوان اعتصام مومنان به ریسمان الهی یاد می کند که برادری را برای آنان به ارمغان آورد:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمْعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَةِ إِخْوَانًا.» ۹

«به وسیله ریسمان الهی خود را نگه دارید و راه تفرقه نرئید و به یاد آورید آن زمانی را که با هم دشمن بودید و خداوند بدین وسیله، بین دل های شما الفت برقرار کرد و شما، به برکت آن، برادران هم گردیدید.»

از مزایای جامعه ی دینی بر مدنی این است که، در این جامعه، کل مومنین جهان یک جامعه ی به هم پیوسته هستند و گروه های اجتماعی مایه ی تفریق آن نمی باشند، بلکه مایه ی قوام بیشتر

آن هستند. لیکن در جامعه ی مدنی پیشرفته ی غربی، که پلورالیسم سیاسی، گروه ها و انجمن های متکثری را ایجاد می کند، پیوستگی وجود ندارند، بلکه همه گروه ها در رقابتی با هم گلاویز هستند. رمز این مزیت در نظام معنوی اخوت دینی است که بر پایه ی تقوی، تزکیه و تهذیب نفس بنیان نهاده شده است. قرآن تلویحاً بدین معنی چنین اشاره دارد:

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا^{۱۱}

پروردگار در دل های ما کینه و دشمنی نسبت به مومنان قرار نده و ما را و برادران ما مورد رحمت و آمرزش خود قرار ده.

امام علی (علیه السلام) در همین رابطه به مالک اشتر می فرماید:

«فَانْهَمُ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»^{۱۲}

این مردم یا برادر دینی هستند و یا همنوع تو.

اخوت در اسلام دارای چارچوب حقوقی خاصی است که در بیان ائمه ی معصومین (علیه السلام) به گونه های مختلف بیان گردیده است. امیر المومنین علی (علیه السلام) فرموده است: برادری باید بر محور بندگی خدا باشد، در غیر این صورت مصداق کلام خدا خواهد بود، که فرموده است:

وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ^{۱۳}

۲- صلح و صفا ی انسانی

دوستان برخی دشمن همدیگرند جز افراد باتقوا! کمال دوستی را در راه برادرت به خرج ده ولی خیلی هم خاطر جمع نشو؛ کاملاً با او برابری کن اما همه ی اسرار را پیش او نریز؛ از نظر فرهنگ مندی همین بس که هر چه برخورد نمی پسندی بردیگری هم نپسندی؛ با تکیه بر روابط دوستی و برادری حق برادرت را ضایع نکن، زیرا آن که حقش را ضایع کرده ای برادرت نخواهد بود؛ عذر برادرت را بپذیر و اگر عذری نیاورد برای او عذری بساز و قبول کن؛ وقتی خودت نیاز برادرت را می دانی او را به زحمت درخواست نینداز.

جابر از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند:

مِنَ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أُخِيهِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُشْبِعَ جَوْعَتَهُ وَيُؤَارِيَ عَوْرَتَهُ وَيُفْرِجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ وَيَقْضِيَ دَيْنَهُ فَإِذَا مَاتَ خَلَفَهُ فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ^{۱۴}

حق مومن بر برادر مومنش این است که نگذارد گرسنه و برهنه بماند، کدورتش را بر طرف کند و قرضش را بپردازد، و پس از مرگ هم جانشین او در خانواده ای او باشد.

موضوع صلح در فرهنگ قرآنی با دو عبارت و برای دو مفهوم به کار برده شده است؛ یکی برای مفهوم سازش درون جمعی (معنای داخلی) و دیگری برای مفهوم زیست مسالمت آمیز ملت



ودولت‌های اسلامی و غیر اسلامی در کنار یکدیگر .

هر جاسخن از سازش بین یکدیگر در درون جامعه اسلامی است، معمولاً کلمه ی «صلح» آمده است، همچون:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ . (انفال ۱)

پس از خدا بترسید و روابط و ضوابط میانه خویش را اصلاح کنید.^{۱۲}

« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَانِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ »^{۱۳}

میان دو برادر خود سازش برقرار کنید.

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَلَوْا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا»^{۱۴}

«و اگر دو گروه از مومنان با هم درگیر شدند شما باید بین دو برادر تان سازش برقرار کنید.»

لیکن در رابطه ی میان ملت اسلام و سایر ملت ها، وقتی موضوع صلح به میان می آید، از کلمه «سلم» استفاده می شود، همچنین:

«فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ»^{۱۵}

وقتی شما در موقعیت برتر هستید، سست نشوید و به صلح فرا نخوانید، خدا با شماست.

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتِنِحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»^{۱۶}

و اگر دیدید که آنها تمایل به صلح دارند تو هم به آن تمایل نشان ده و کار را به خدا واگذار .

اما آنچه در این مقاله قابل طرح است ارائه پیام



اسلام است که منادی صلح میان ملت ها است قرآن کریم خود، به ما می گوید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ .»^{۱۷}
ای مومنان! همه شما در صلح وارد شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست.

سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز همواره این بوده است و به مومنان هم چنین توصیه فرموده‌اند: که وقتی دیگران به شما کار ندارند شما هم معترض آنها نشوید، مگر آن که قصد شیخون بر شما داشته باشند. حتی پس از شروع رویارویی نظامی نیز، اگر آنها از ادامه ی جنگ منصرف شدند، قرآن به ما می گوید شما هم جنگ را رها کنید و صلح پیشنهادی شان را بپذیرید، مگر آن که مکرری در کار باشد. آیه این است:

«فَإِنْ اعْتَزَلُواكُمْ فَلَمْ يَفْتُلُواكُمْ وَاتَّقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا»

اگر کناره گرفتند و با شما نمی جنگند و پیشنهاد صلح به شما دادند، خدا دست شما را بر آنها باز نگذاشته است، چنان که در آیه ی بعدی، عکس این را می گوید؛ یعنی اگر بر جنگ اصرار و پافشاری دارند و قصد صلح ندارند، باید مومنان نیز به جنگ ادامه دهند.^{۱۸}

نتیجه این که اسلام دین مسالمت و آرامش و همزیستی مسالمت آمیز است، هم در درون و

هم در برون؛ لیکن چه ساز و کاری برای استقرار آن لازم است؟

۱) استقرار صلح و امنیت برای استقرار صلح و امنیت جامعه

برای استقرار صلح بین مؤمنین در جامعه اسلامی و بین جوامع اسلامی توجه به آیات راهگشای قرآنی از ضروری ترین و بایسته ترین امور است. آنچه در این مقاله آمده مرتبط با مقوله ی صلح و صفای درون جمعی است . در این قسمت به چند راهبرد اشاره می شود:

۱) رفع تبعیض و تمایزات: در جامعه ای که تمایزات سبب ساز تبعیض می شود و آن را جامعه را متفرق و فشل می سازد. بهترین راهبرد اهمیت ندادن به تمایزات درون گروهی و رفع تبعیض ها است.

۲) درک خودی و غیر خودی؛ این گزینه ناظر به افراد متعصبی است که برون گروه را بسیار همگن، و دشمن را یک هویت واحد می بینند و برعکس، درون گروه خودی را بسیار ناهمگن؛ و لذا همواره به درون خود بد بین هستند و این امر موجب برقرار نشدن سازش و صلح در درون گروه اجتماعی می شود. در حالی که می توان با درک بیشتر و دقیق تری از طریق اطلاعاتی که از دشمن به دست می آوریم. واقعیت بسیار ناهمگن آن را درک کرده و از تعصب خود بکاهیم و به خودی ها که با ما همخوان هستند نزدیک تر شویم.

۳) تاکید بر نقاط مشترک. ما باید آگاهی یابیم که

اعضای برون گروه ما (سایر گروه های درون جامعه) هم درست مثل درون گروه، خواستار همان چیزهایی هستند که خواستار آن هستیم و اگر با درک عینی از این واقعیت نتوانیم به تفاهم دست یابیم، زندگی را بر خود ناخوش کرده از زندگی لذتی نخواهیم برد.

۴) کاهش دادن تفاوت ها؛ به خود و دیگران توصیه کنیم تا بر اهمیتی که به تفاوت ها می دهند غلبه کنند. مطالبی را که درباره ی خارق العاده بودن درون گروه خود، و وحشتناک بودن برون گروه خود، در ذهن پرورانیده اند تخلیه کنند. و با کنار گزاردن تفاوت ها بر نقاط مشترک تاکید کنیم.

۵) پیگیری اهداف برتر؛ از رقابت های مخرب بپرهیزیم و به دنبال موقعیت های برابر و اهداف برتر باشیم. عناصر مشترک را پیدا کنیم و درباره ی ما و نه درباره ی من بیشتر حرف بزنیم .

۶) اغماض و تغافل عالمانه: چه آن که هیچ چیز کاملاً بد و کاملاً خوب نیست. چنان که از دیگران توقع داریم، خود نیز این قصورها بر آنها بخشاییم و بدانیم .

در آفتابی ترین روزها ممکن است لکه ای ابر روی خورشید را ببوشاند.

۷) شناخت نیازهای مشروع دیگران: به مخالفان خود دو انمود کنیم که به نیازهای مشروع آنها اهمیت می دهیم. این راهبرد ناخود آگاه از تشدید کینه ها خواهد کاست و راه همزیستی را هموار خواهد نمود؛ چیزی که انسان همواره در یک



جامعه سخت بدان محتاج است.

۸) اجتناب از کشمکش‌های درون و برون گروهی: و تلاش برای رفع نزاع و درگیری و اجتناب از مجادلات موجب وحدت و انسجام و همدلی می‌گردد؛ باید دانست آنچه موجب بروز اختلاف‌های منجر به درگیری می‌شود، مسائل تشدیدکننده‌ی فاصله‌های اجتماعی است، که عموماً عبارتند از: عوامل تاریخی نزاع برانگیز بر سر قلمروها و منابع، یا عدم تشابهات نژادی، مذهبی، زبانی، موقعیت اقتصادی، ایدئولوژی سیاسی و دیگر تمایزاتی که منجر به ایجاد الگوهای منحصر به فرد «فاصله اجتماعی» در هر فرهنگ می‌شود.

۲- همبستگی معنوی

اتحاد و همبستگی به دو معنا می‌تواند باشد؛ یکی رابطه‌ای هدفمند در درون سازمان اجتماعی به وسیله نظام اجتماعی و تشکیلات سیاسی و اداری است و دیگری یکپارچگی و پیوستگی درونی و معنوی مردم نسبت به یکدیگر به وسیله‌ی امور معنوی همچون نظام فرهنگی، نظام عاطفی انسانی، و نظام معنوی دینی؛ که کارکردهای بسیار مثبتی برای مردمان یک سرزمین دارد.

امام علی (علیه السلام) در نکوهش یاران خود نسبت به تفرق و پراکندگی فرمود:

وَأَيُّ وَاللَّهِ لَا ظَنَّ أَنْ هَوَّلَاءِ الْقَوْمِ سِيدَ الْوَنِّ مَنْكُم

باجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم^{۳۱}
به نظرم می‌رسد که این جماعت (اصحاب معاویه)، در اثر همبستگی بر باطل شان، و شما در اثر پراکندگی در حق تان، به زودی بر شما غلبه خواهند کرد. همچنین در جایی دیگر می‌فرماید:
و یجلب الهم من اجتماع هولاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم، فقیحاً لکم و ترحاً.....^{۳۲}
از همبستگی این جماعت بر باطل شان و پراکندگی تان نسبت به حق خود، دل انسانی می‌گیرد، روی تان زشت باد و روزتان تیره، خود را آماج تیرهای بلا کردید. متون دینی ماسراسر سفارش به همبستگی، تعاون و مشارکت دینی و عضویت فعال در برنامه‌های اجتماعی چون نماز جمعه، جماعت و جلسات قرآنی و علمی است.

۴- مهر و محبت ایمانی

در قرآن کریم آمده است «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»^{۳۳} اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و ایمان را محبوب دل‌های شما قرار دهد (ولکن ختب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم)^{۳۴} و کسانی که ایمان دارند محبت شدیدتری به خدا دارند «و الذین آمنوا اشد حبا لله»^{۳۵} محبت و مهر نعمتی خدا دادی برای اتحاد و انسجام و اعتصام است. قرآن کریم خالق و واضع محبت را خداوند می‌داند «وجعل بینکم مودة و رحمة»^{۳۶} «فیما رحمة من الله لنت لهم»^{۳۷}

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات ستجعل لهم الرّحمن ودا»^{۳۸} و آیات دیگر که بارانه این راهکار زمینه ساز شکل‌گیری و توسعه مهر و محبت در کانون خانه و خانواده، فامیل، قوم و قبیله، امت و اُمم می‌گردد.

قرآن کریم همبستگی در کانون خانواده، پیوند و پیوست در بیرون خانواده و در میان دودمان، تحت عنوان «صله ی رحم» و تاکید بر جمعه و جماعت در بعد وسیع‌تر جامعه، و سرانجام در شکل و قالب «امت» را شامل همه‌ی مومنان می‌داند. «تعالوا الی سواء بینا و بینکم»^{۳۹} صله‌ی ارحام، از آن چنان اهمیتی برخوردار است که در بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیه السلام) رمز طول عمر، و عکس آن یعنی قطع رحم موجب کوتاهی در عمر شمرده شده است.

پیامبر اسلام در خطبه‌ی رمضانیه‌ی خود، به این موضوع تاکید فرموده است:

تَصَدَّقُوا عَلٰی فُقَرَائِكُمْ و مَسَاكِينِكُمْ و قُرُوبِکُمْ و اَرْحَمٰوْا صِغَارِكُمْ و صَلُّوْا اَرْحَامِكُمْ^{۴۰}
بر فقیران و مستعدان شفقت آورده تصدیق کنید و بزرگان خود را محترم شمارید و بر خردسالان مهر بورزید و با خویشاوندان خود پیوند برقرار سازید.

القطب الراوندی فی لبّ اللباب، عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: صلوا ارحامکم فان صله ی تزیّد فی العمر و تقی مینه السوء.^{۴۱}

قطب راوندی در کتاب لبّ اللباب خود از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که فرمود:

با خویشانان پیوند کنید که همانا این پیوند، عمر را زیاد و از مرگ بد؛ انسان را نگهداری می‌کند. تاکیدهایی که در موضوع جمعه و جماعت شده، در متون دینی اسلام آن قدر زیاد است که نیازی به بازگو نمودن آن نمی‌باشد و برکسی پوشیده نیست. نظام اخلاقی اجتماعی؛ همبستگی در سطح گسترده‌ی جامعه‌ی دینی، همان چیزی است که از مفهوم «امت» بر می‌آید که شخص پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)، پایه گذار آن بوده است.^{۴۲}

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) بنا به قولی که در عقبه‌ی مکه، به نمایندگان دو قبیله‌ی «اوس» و «خزرج» داده بود، طی پیمانی که در واقع اساسنامه حکومت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) را تشکیل می‌داد، همگان را ملزم به رعایت آن نمود. گزیده‌ی این پیمان چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم، این عهده نامه‌ای است که از محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) میان مومنان و مسلمانان از قریش و یثرب و همه‌ی وابستگان آنان و کسانی که به آنان پیوسته‌اند و جهاد کرده‌اند. همانا مسلمانان همگی امتی یگانه‌اند.... مومنان نباید هیچ نیازمند عیالمنند یا هیچ درماننده‌ای از میان خود را فروگذارند، بلکه باید، به هر طریق، در حال انفاق

یا ادای قرض، او را یاری رسانند و هیچ مومنی علیه مومن دیگر با دشمنش هم پیمان نشود. همه ی مومنان در صورت وقوع هر ظلم، باید با هم علیه آن فساد یا تجاوز بر پا خیزند.... عهد و پیمان خداوند بر همگان یکسان است، که به این وسیله دورترین مومنان با نزدیکترین برادر و برابرند.... همه ی متعهدان این پیمان در برابر هجوم بیگانه ملزم به دفاع از یکدیگرند.^{۳۶}

در واقع، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بذر اولیه ی جامعه ی دینی را تحت عنوان «امت» با ایجاد حس مسوولیت متقابل افراد جامعه نسبت به سرنوشت جمعی و حتی فردی که بارزترین تاکید بر اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در اجتماع است، پایه گذاری نمود. همچنین، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، در دومین سال پس از هجرت به مدینه و طی یک «نظام نامه ی مدون» اقدام به تشکیل سازمان اداری اجتماعی اخلاقی (نظام امت و امامت) نمود، که تضمین کننده ی سعادت دنیا و آخرت مومنان گردید. در بخشی از منشور این نظام نامه آمده است:

مسلمانان امتی یگانه به شمار می آیند و گروهی هستند که اعضای آن، به وسیله ی اعتقاد دینی به یکدیگر وابسته اند. بنابراین، نظام اسلامی بر پایه های فکری، اخلاقی و عقیدتی پی ریزی شده است، نه بر اساس همخونی و یا رابطه نژادی امت، گروه واحدی به شمار می آید که

همبستگی آنان با هم، آن را از دیگر گروه ها و مجموعه ها متمایز می سازد.... وحدت و یکپارچگی و یگانگی امت و روح همبستگی آنان در راه استقرار آسایش و امنیت اجتماع، به دفع مفسده جویمان و آشوب طلبان از هر صنف و گروه گرچه فرزندان آنان نیز باشند، می انجامد.^{۳۷}

۵- تعاون و مشارکت عمومی

در یک جامعه ی دینی آزاد، برابر و مستقل، همه افراد به منزله ی دانه های یک شانه و با هم در سرنوشت جمع مساوی هستند و لذا مسوولیت همگانی اقتضای می کند تا نسبت به امور جامعه ی خود اولاً احساس مسوولیت، و ثانیاً با هم تعاون و مشارکت نمایند. چنین مشارکتی را هر چند در جامعه ی مدنی نیز به دلیل تکثر گرای سیاسی، می بینیم لیکن اولاً به دلیل نبودن روحیه ی اخوت دینی در آن جامعه از احساس قوی دینی و عاطفی بر نمی خیزد، و لذا همبستگی موجود در آن بر اساس منافع مشترک مادی است، که معمولاً متغیر و فاقد تضمین و ثبات است؛ و ثانیاً نظر به اتکای آن جوامع بر نظام بشری دموکراسی محض، حکومت مبتنی بر قدرت جمعی ای است که مراکز متعدد قدرت، به ناچار با هم کنار آمده اند و در واقع همواره در پی صید یکدیگرند و از این روی نظارت، همگانی، خالص، دقیق، بی ریا و معنوی نیست تا همواره عالم را محضر خدا ببینند و خدا را ناظر بر همه احوال. لذا امکان

خطا و سود طلبی شخصی در این گونه جوامع بسیار است.

نکته ی دیگر این که در آن جوامع احتمال روی کار آمدن نوعی اقتدارگرایی انحصار طلبانه، وجود دارد و ممکن است، به تدریج و بر پایه ی اصل رقابت آزاد مبتنی بر نظام تکثیر گرای، قدرت در انحصار یک جناح و باند قدرت در آید و از مشارکت عمومی به عنوان پلی برای رسیدن به مقاصد گروهی خاص خود استفاده نماید.

طبیعی است که در چنین وضعی به حکم: «الْأَخِلَاءُ، یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ أَلَّا الْمُتَّقِینَ» دوستی ها و روابط فیما بین افراد، چندان پایدار و قابل اعتماد نمی باشند.^{۳۸}

با این حال به نظر می رسد مسوولان امور، به دلیل نقش الگویی، می توانند با عمل صالح خویش، بهترین مبلغان و منادیان حاکمیت ارزش های دینی در جامعه باشند و همین نفس عمل صالح، راه گشای تبدیل نظریه به عمل نیز می باشد. و بدین سان می توان از روحیه تعاون و مشارکت عمومی و تقویت آن در سطوح مختلف وحدت و اتحاد و همدلی را در سطح جامعه گسترش داد.

نتیجه:

راهبردهای اسلام به عنوان دین صلح و صفا و آرامش و همزیستی مسالمت آمیز هم در درون و هم در برون بر اساس آیات راهگشای قرآنی بیان گردیده و برآیندهای رفتاری و اجتماعی

اخوت و اعتصام قرآنی شامل برادری دینی، صلح و صفای انسانی، همبستگی معنوی، مهر و محبت ایمانی، تعاون و مشارکت عمومی ارائه شده تا زمینه ساز تحقق اتحاد و انسجام اسلامی در عرصه های اعتقادی - اخلاقی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گردد و همبستگی معنوی با همه آثار و برکاتش پدیدار آید.

پی نوشت ها:

- ۱- رک. واعظی، احمد (جامعه دینی، جامعه مدنی) صص ۸۸-۹۰
- ۲- فعال عراقی - حسین، داستان های قرآنی و تاریخ انبیاء (در المیزان)، صص ۱۵۳-۱۶۶
- ۳- کافی - ج ۱، ۱۳۶۵، ۴۰۳
- ۴- دیوان منسوب به امیر المؤمنین علی (علیه السلام)
- ۵- محدث نوری، جامع حدیثی، ج ۱۲، ص ۲۲۴
- ۶- مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۶۶
- ۷- کافی، ج ۲، ص ۱۶۶
- ۸- سعدی، مصلح الدین، گلستان، باب اول، ص ۳۹
- ۹- آل عمران، آیه ی ۱۰۳
- ۱۰- حشر، آیه ی ۱۰

- ۱۱- سید الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۷۲، ک ۱۵۳ ۲۴۹
- ۱۲- کراچکی، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۹۳ ۳۵- حرّ - حسین، فعالیت‌های فرهنگی پیامبر اعظم (ص)، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۲۱
- ۱۳- صاد، آیه ی ۲۴ ۳۶- ابن هشام، سیره ی نبوی، ص ۱۴۷-۱۵۰
- ۱۴- کافی، ج ۲، ص ۹۳ ۳۷- احمد العلی، صالح، دولت رسول خدا
- ۱۵- انفال، آیه ی ۱ (س)، ترجمه ی هادی انصاری، ص ۹۱-۹۰
- ۱۶- حجرات، آیه ی ۹ ۳۸- زخرف، آیه ی ۶۷
- ۱۷- حجرات، آیه ی ۹
- ۱۸- محمد (ص)، آیه ی ۳۵
- ۱۹- انفال، آیه ی ۶۱
- ۲۰- بقره، آیه ی ۲۰۸
- ۲۱- نساء، آیه ی ۹۰
- ۲۲- السید الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۴، خ ۲۵
- ۲۳- السید الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۵، خ ۲۷
- ۲۴- الشیخ الصدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۸۴
- ۲۵- الشیخ المفید، امالی، ج ۲، ص ۱۱
- ۲۶- آل عمران، آیه ی ۳۱
- ۲۷- حجرات، آیه ی ۷
- ۲۸- بقره، آیه ی ۱۶۵
- ۲۹- روم، آیه ی ۲۱
- ۳۰- آل عمران، آیه ی ۱۵۹
- ۳۱- مریم (س)، آیه ی ۹۶
- ۳۲- آل عمران، آیه ی ۶۴
- ۳۳- شیخ حر عاملی، (وسائل الشیعه)، ج ۱، ص ۳۱۳
- ۳۴- محدث نوری، جامع حدیثی، ج ۱۵، ص

